



# کارگران جهان متحد شوید !

یازدهم خرداد ماه روز جهانی کودک بود. نگاهی

## به بهانه روز جهانی کودک

به وضعیت کودکان در جهان کنونی ما نشان

میدهد که برغم رشد و پیشرفت حیرت انگیز تکنولوژی و وسایل تولیدوارتباط جمعی که دنیا را به یک دهکده تبدیل کرده است اما هنوز چشم اندازی برای رهایی کامل کودکان از زیر بار ستم و استثمار و فقر و آوارگی، کودک آزاری و سایر ناهنجاریهای اجتماعی وجود ندارد. به موازات عمیق تر شدن شکاف طبقاتی در جهان کودکان بسیاری از طبقات محروم در اقصی نقاط جهان در فقر و نداری و جنگ و آوارگی دوران کودکی خود را سپری میکنند. آنها در کارگاه ها، منازل، مزرعه ها و میدانهای جنگ و خونریزی فنا میشوند، شبانه روز در خیابانها و داخل زباله ها برای یافتن قوت لایموت وول میخورند و بارها مورد استثمار شدید، و آزار و اذیت جنسی قرار میگیرند.

ادامه در صفحه ۷

تاریخ قدیمی ترین شهر آلمان است با آثار

## تاریخ فرزند خود را در آغوش بگیرد .

تاریخی متعدد و مهمی مانند Porta Nigra از

دوران تسلط رومیها . کارل هاینریش مارکس در پنجم ماه مه سال 1818 در چنین شهری چشم دنیا گشود . در آنجا دوران دبیرستان را به پایان رسانده و در 1835 یعنی در سن هفده سالگی برای تحصیل در رشته ی حقوق عازم شهر بن می شود . پنجم ماه مه (دیروز شنبه ) 2018 درست دویست سال از تولد این بزرگترین متفکر هزاره ی دوم می گذرد .

ادامه در صفحه ۵

## \* درباره دوران (بخش سوم)

..... صفحه ۱۰

\* از بین بردن گورهای دسته جمعی

جانباختگان کشتار های دهه

60، جرم سران رژیم و طبقه حاکم

را سنگینتر میکند

..... صفحه ۶

\* تحقق مطالبات کارگران گروه ملی

صنعتی اهواز مستلزم ادامه مبارزه

است.

..... صفحه ۸

\* درباره کشتار توده های تحت ستم

فلسطین و وحشیگری نظام های

امپریالیستی جهانی و رژیمهای مرتجع

منطقه

..... صفحه ۹



## فرجام برجام ، فرجام

## جمهوری اسلامی ، گزینه ما

شکست محتوم برجام با وجود تلاشهای ملتسمانه باند روحانی و اروپا که مطمئنا به نتیجه نخواهد رسید و در دستور قرار دادن سرنگونی رژیم از طرف آمریکا علیرغم اینکه چند بار مقامات آمریکایی برای حفظ ظاهر و عرف دیپلماتیک منکر شده اند ، شرایط بسیار حساسی را رقم زده است . شروع تحریمهای آمریکا از چند ماه آینده که از هم اکنون چند کارتل بزرگ مانند توتال ، بریتیش پترولیوم ، مرسک ، آلیانز .... به پیشواز آن رفته اند به همراه اعلام آمادگی فروش نفت بیشتر از طرف روسیه و عربستان به دنبال شروع تحریم فروش نفت ایران در پنج ماه آینده که توان مالی ایران را به شدت کاهش خواهد داد ، به خوبی گویاست که ماههای پیش رو بسیار حساس و سرنوشت ساز است . به نقطه ای نزدیک میشویم که دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی حتی نمیتوانند در دل روستائیان هم هراسی اندازند و جسارت و بی پروایی توده ها کابوس تحقق یافته رژیم شده است ، کابوسی که هشت سال قبل سردار جعفری و سردار همدانی نگران از خطر شورش گرسنگان و تهیدستان پیش بینی میکردند و صریحا اعلام کرده بودند که توان مقابله با این شورش ها را ندارند ، اینک به آن روزها نزدیک میشویم .

ادامه در صفحه ۲

# سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی !

## فرجام برجام ، فرجام جمهوری اسلامی ، گزینه ما

### کیومرث منصوری

اطلاعاتی رژیم در تدارک است در صورت شکست دور اخیر تلاشهای روحانی با یک خیز بلند یا یک کودتای غیر رسمی و تعیین رئیس جمهور نظامی که زمزمه های آن به گوش میرسد و حتی از افرادی چون محسن رضایی و قاسم سلیمانی نام برده شده ، با بدست گرفتن تمام ارگانهای حکومتی به همان روش ذاتی خود که در آن ید طولایی دارد متوسل شود با این تفاوت که این بار شرایط به کلی تغییر کرده ، بیکاری و فقر و گرسنگی کارد را به استخوان توده ها رسانده ، انسانهایی که چیزی برای از دست دادن ندارند با جسارت و بی پروایی باور نکردنی ، حتی در روستاها و شهرهای دور افتاده سر به طغیان برداشته اند و از آنجا که رژیم هیچ راه حلی برای معضلات و تنگناهای اقتصادی پیش رو و کاهش فشار بر روی مردم ندارد سرکوب جز اینکه موجب وخیمتر شدن وضعیت اقتصادی شود نتیجه دیگری در ندارد و اعتراضات واکنشی توده ها به کنش در برابر رژیم بدل شده و پراکندگی زمانی و مکانی آن به جنبش همگانی خواهد انجامید .

در شرایطی که خلاصه وار ذکر شد گزینه ما چیست ؟

بر واضح است که سرنگونی جمهوری اسلامی تنها راه و تنها پاسخ به شرایط موجود است و توده های گرسنه و درمانده و فقرزده و لبریز از کینه عمیق همانطور که در وقایع غیر قابل تصور دی ماه نشان دادند به سرعت به کنش با رژیم خواهند رفت و هیچوقت منتظرنمیمانند تا ما ( انقلابیون چپ و کمونیست ) چه میگوییم و چه طرح و برنامه ای داریم . در دهه اول دی ماه سرعت و وسعت اعتراضات که در کمترین زمان حتی روستاها را در بر گرفت و نوع شعارها

ای از این فساد که امری عادی شده ، تشدید نارضایتی و اعتراضات توده ای را به دنبال دارد ، اعتصابات و تظاهرات و شورشهای هر روزه در گوشه و کنار کشور هراس به جان رژیم انداخته ، هر چند این حرکتها یکپارچه نیست ولیکن وقوع مکرر این تجمعات و عدم پاسخ گویی رژیم به آن چشم انداز شورشهای دی ماه را نوید میدهد . در اغلب این تجمعات ( حتی در تشیع جنازه هنرپیشه قدیمی ناصر ملک مطیعی ) شعار علیه دیکتاتوری شعار محوری شده ، شعاری که راس نظام را هدف گرفته است تمام هم و غم رژیم در این خلاصه شده که این اعتراضات پراکنده را مهار کند و مانع از به هم پیوستن و گسترش و یکپارچگی آن گردد . رژیم در یک دور تسلسل گرفتار شده که خلاصی از آن برایش مقدور نیست ، فعلا راه حل لیبرالها درون حاکمیت در دستور قرار دارد ، تحمل و پذیرفتن بخشی از خواسته ها برای آرام کردن توده ها که به عنوان نمونه در برابر کامیون دارهای اعتصابی در پیش گرفته ولی از آنجا که چنین روشی اساسا با ماهیت وجودی رژیمهای دیکتاتوری مانند جمهوری اسلامی هیچ گونه سنخیتی ندارد و در تاریخ چهل ساله این رژیم هم نمیتوان موردی یافت که در برابر خواست توده ها عقب نشینی کرده و به آن گردن نهاده باشد ، همیشه با ایجاد رعب و وحشت و بگیر و ببند و شکنجه و زندان و اعدام اعمال حاکمیت کرده و در اصل بقاء خود را مدیون اعمال این سیاست میداند ، سپاه و جناح امنیتی و

پیش رو بودن تحریمهای گسترده جدید ، افزایش ارزش دلار و کاهش ارزش ریال ، کاهش فروش نفت ( بعد از خروج آمریکا از برجام ، در ماه اردیبهشت ، 100 هزار بشکه تولید روزانه نفت ایران کاهش یافته ) هزینه های سرسام آور مداخلات منطقه ای رژیم ، عدم تمایل سرمایه گذاران خارجی در ایران بدلیل نبود امنیت و خطر برخورد با جریمه های سنگین خزانه داری آمریکا ، به همراه فرار وسیع سرمایه از ایران ( به قول پور ابراهیمی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس در طی 2 ماه اول امسال -97 - 35 میلیارد دلار سرمایه از ایران خارج شده و حدود 20 میلیارد دلار از چرخه اقتصاد خارج شده و در خانه ها به صورت دلار ذخیره شده ) همه و همه چشم انداز تشدید وحشتناک رکود و بیکاری و شروع دور تسلسلی از افزایش قیمت کالاها خصوصا نیازهای روزمره مردم مانند حبوبات و میوه جات و لبنیات و مواد پروتئینی و .... و افزایش قریب الوقوع قیمت بنزین و حاملهای انرژی که کلید آن زده شده ( اجباری کردن فروش سوخت فقط با کارت سوخت از پانزدهم تیر ماه توسط وزارت نفت ) ، بحران آب و بیکاریهای گسترده ، ماهها حقوق نگرفتن کارگران و کارمندان کارخانجات و ادارات و شهرداریهای شهرهای مختلف ، تعطیلی مکرر واحدهای تولیدی و متوقف شدن کامل پروژه های عمرانی دولتی ، فساد وحشتناکی که تا مغز استخوان رژیم رسوخ کرده و از صدر تا ذیل آن را در بر میگیرد و رو شدن روزانه گوشه

**فرجام برجام ، فرجام جمهوری اسلامی ، گزینه ما ...** می دهند ، و مهمتر از همه برخوردار کمونیستها با این تحولات است ، همه تحلیلها و سخرانی ها بدرستی از همراهی با این اعتراضات و پشتیبانی از آن حکایت دارد ولیکن طبق قاعده حرف مرد یکی است زمان یا برایشان متوقف شده یا خیلی کند حرکت میکند ، به مناسبت یازده اردیبهشت همانند سال قبل و سالهای قبل اطلاعیه صادر میکنند و از کارگران میخواهند برای افزایش حقوق و کاهش ساعات کار و لغو قراردادهای موقت و بیمه ..... به اعتراض برخیزند و از رژیم خواهان خواسته هایشان شوند در حالیکه کارگران این ضرورتهای ابتدایی را در زندگی روزمره شان با گوشت و پوستشان حس کرده اند و سالهاست برای آن میجنگند و یاران بزرگی را راهی زندانها کرده و انسانهای شریفی در این راه جان باخته اند ، اینک می بایست به کارگران و مزد بگیران بگویم چشم امید از این رژیم ضد کارگری و ضد انسانی بردارند تحقق حتی ابتدایی ترین خواسته ها ، تحقق آزادی زن ، معضل کودکان کار ، لغو اعدام ، مشکل محیط زیست ، حل بحران آب و خشک شدن تالابها ، وووو فقط و فقط با سرنگونی رژیم توسط کارگران و زحمتکشان و درهم شکستن ماشین سرکوب رژیم و استقرار حاکمیت شوراها میسر خواهد بود . شورشهای دهه اول دی ماه در بیش از صد شهر با آن بار

کیومرث منصوری

19/3/97

**سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ، واژگونی جمهوری اسلامی را بمثابة برجسته ترین تکیه گاه نظام سرمایه داری حاکم بر ایران و سرسخت ترین دشمن آزادی طبقه کارگر و جایگزینی آن توسط یک جمهوری فدراتیو شورایی را وظیفه عاجل خود می داند .**

مانند " اصلاح طلب اصول گرا دیگه تمومه ماجرا " و اقداماتی چون آتش زدن حسینیه و حوزه علمیه و دفتر امام جمعه و پایگاه بسیج ..... همه تحلیل گران حکومتی و اپوزسیون را غافلگیر کرد ( و به جرات میتوان گفت در تصمیمات هیات حاکمه آمریکا در مورد ایران بی تاثیر نبوده ) . اینک تمامی تابوها ، تمامی ترسها و توهمات در حال فرو ریختن است ، البته نمیتوان تلاش پاره ای از افراد و محافل را در ایجاد هراس از جنگ برای اجتناب از هر گونه اقدام علیه رژیم به بهانه حفظ امنیت و تمامیت ارضی ایران نادیده گرفت ولی تلاش این جیره بگیران رژیم کمترین تاثیری در آرام کردن توده ها و نجات رژیم ندارد . حال توده ها اپوزسیون را به دنبال خود کشیده اند ، رضا پهلوی که اینک شجاع شده و به تقلید از ترامپ به توثیت زنی رو آورده به همراه سایر سلطنت طلبان هیجان زده از چند مورد شعار دادن در ستودن رضا شاه در چند نقطه از کشور ، متوهم شده اند که مردم سلطنت میخواهند ، مجاهدین که همیشه خواهان سرنگونی حکومت آخوندی هستند نه جمهوری اسلامی و اینک در هیات حاکمه آمریکا دست بالا را دارند در لابیگری های خود در محافل سیاسی و حکومتی آمریکا الغا کرده اند که این وقایع با هدایت و رهبری آنها صورت گرفته و خودشان هم به این توهم گرفتار شده اند که واقعا کار کار خودشان بوده ، محافلی هم همه چیز را به کنار نهاده و همچنان از حرکت زنان خیابان انقلاب ( که به درستی اقدامی شجاعانه و زیبا بود ) هیجان زده هستند و در بررسی آن از نقش خودشان در این حرکت مرتب داد سخن

## بزودی این زمستان نیز سر خواهد آمد

تا که در بند یکی بنده هست

با تو ای سوخته، پیوندم هست



سر خواهد آمد و به یمن جانفشانی و فداکاری سلطانپورها توده های زحمتکش بیدار میشوند و بهار آزادی فرا خواهد رسید. یاداش گرامی و راه اش پر رهرو باد.

اسامی عده دیگری از هنرمندان و نویسندگان که بعد از سال شصت توسط رژیم ددمنش جمهوری اسلامی جانباخته اند. در آستانه سی و هفتمین سالگرد اعدام سعید سلطانپور یاد همه این جانباختگان را که در راه آزادی اندیشه و بیان از جان خویش مایه گذاشتند، گرامی میداریم.

۱- سیمون فرزانی، روزنامه‌نگار، مفسر خبرگزاری پارس و سردبیر روزنامه فرانسوی زبان "ژورنال دو تهران"، در سن ۷۰ سالگی در آذرماه سال ۱۳۵۹ به اتهام رابطه با امریکا و جاسوسی برای اسرائیل (تیرباران).

۲- حمید رضوان، نویسنده، سال ۱۳۵۹ (قتل در بیمارستان)

۳- علی اصغر امیرانی، روزنامه‌نگار، سردبیر مجله خواندنیها، اول تیرماه سال ۱۳۶۰ در سن ۶۵ سالگی به اتهام همکاری با اسرائیل و ساواک (تیرباران).

۴- سعید سلطانپور، شاعر، نماینده نویسندگان کارگردان تئاتر، عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران و سندیکای هنرمندان تئاتر ایران، و فعال سیاسی در خرداد سال ۶۰ (تیرباران).

۵- جلال هاشمی تنگستانی، نویسنده، سال ۱۳۶۰ (نحوه مرگ ناروشن).

۶- عطاءالله نوریان، مترجم و نویسنده و فعال سیاسی، سال ۱۳۶۰ (تیرباران).

۷- رحمان هاتفی، روزنامه‌نگار و نویسنده و فعال سیاسی تیرماه ۱۳۶۲، (قتل زیر شکنجه- یا خودکشی در زندان).

تشکلهای کارگران، معلمان دانشجویان، دانش آموزان زنان و دیگر زحمتکشان آغاز دست آوردهای قیام توده ای مردم یکی پس از دیگری بازستانده شدند. از این پس کشتار آشکار، در خیابانها، دستگیری، زندان، شکنجه و اعدام های دسته جمعی به سیاست روز سردمداران رژیم تبدیل شد.

31 خرداد شصت با تیرباران رفیق سعید سلطانپور همراه ۱۴ تن از دیگر زندانیان سیاسی در واقع آغاز سرکوب و کشتار مخالفین به صورت وسیع و همه جانبه و آشکار کلید زده شد.

دژخیمان جمهوری اسلامی سعید سلطانپور را در شب عروسی اش دستگیر کرده بودند.

سعید سلطانپور کمونیست، عضو سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و یکی از چهره های درخشان ادب و هنر مبارز ایران بود که به خاطر نوشته ها، اشعار و نمایشنامه هایش سالها در زندانهای رژیم شاه زیر شکنجه مقاومت کرده بود. سعید از اعضای هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران نیز بود و خلاقیت های هنری و ادبی وی تاثیر ماندگاری در فرهنگ و هنر انقلابی برجای گذاشته است. یاد و خاطره سعید سلطانپور در بیداری و رزم دلاورانه توده های زحمتکش مردم تبلور مییابد و پابرجا است و اشعار انقلابی او گرما بخش قلب مبارزینی است که بر علیه ظلم و ستم و استعمار بپا خواسته اند. بی تردید روزی فرا خواهد رسید که این زمستان نیز

سی و هفت سال از اقدام ددمنشانه جمهوری اسلامی و تیرباران رفیق سعید سلطانپور شاعر، نمایشنامه نویس و کارگردان تئاتر میگذرد. رژیم جمهوری اسلامی بمثابه یک دولت سرمایه داری مذهبی تازه به قدرت رسیده که رسالت آن متوقف کردن روند انقلابی و سرکوب و فرونشاندن جنبش های اجتماعی توده های زحمتکش مردم و برقراری سیستم سرکوبگر دیگری این بار بنام اسلام و قوانین اسلامی بود. از همان بدو به روی کار آمدن اش سرکوب جنبش کارگری، روشنفکران، زنان، نویسندگان و هنرمندان، جنبش خلقهای تحت ستم و استثمار و سازمانهای مدافع حقیقی منافع توده های مردم را مورد یورش وحشیانه قرار داد. در اعمال این سیاست به غایت ضد مردمی علاوه بر یکارگیری دستگاه ستم و سرکوب رژیم شاهنشاهی، از طریق سازماندهی ارازل و اوپاش تحت عناوین مختلف نظیر، کمیته های انقلاب اسلامی و سپاه پاسداران و غیره استفاده نمود و با بسیج بخش ناآگاه و مذهبی و فریب خورده جامعه که عکس خمینی را در ماه دیده بودند و به وعده و وعید های او مبنی بر حمایت از «مستضعفان» و مجانی کردن برق و آب و غیره باور کرده بودند، تا مقطع 60 خرداد توازن قوا را به نفع طبقه حاکم و روحانیت تازه به قدرت رسیده تغییر داد. از خرداد شصت یورش همه جانبه به انقلابیون

## تریر فرزند خود را در آغوش میگیرد .

افشانی. نقده



تریر قدیمی ترین شهر آلمان است با آثار تاریخی متعدد و مهمی مانند Porta Nigra در دوران تسلط رومیها . کارل هاینریش مارکس در پنجم ماه مه سال 1818 در چنین شهری چشم بدنیا گشود . در آنجا دوران دبیرستان را به پایان رسانده و در 1835 یعنی در سن هفده سالگی برای تحصیل در رشته ی حقوق عازم شهر بن می شود . پنجم ماه مه (دیروز شنبه ) 2018 درست دویست سال از تولد این بزرگترین متفکر هزاره ی دوم می گذرد . از روز جمعه چهار مه تا امروز یکشنبه مراسمهای مختلف فرهنگی ، سیاسی و هنری در سطح شهر برگزار شده که احتمالاً هنوز هم ادامه دارد . اوج این مراسمها ، پرده برداری از مجسمه مشهورترین فرزند شهر در روز شنبه ی گذشته بود . به مناسبت دویستمین زاد روز کارل مارکس برجسته ترین تئوریسین و نظریه پرداز اردوی کار ، دولت چین طرح ساخت و اهداء مجسمه ی ایشان را به شورای شهر تریر ارائه می دهد . شورای مزبور ابتدا مخالفت خود را با این امر اعلام می دارد ولی بعداً طی بحث و جدلهای زیادی راضی به قبول پیشنهاد دولت چین میشود . طراح و سازنده ی این اثر آقای Wu Weishan می باشد که ایشان در عین حال مدیر موزه ی ملی چین نیز می باشد . آقای Weishan دیروز شخصا در مراسم رونمایی از مجسمه ی مارکس حضور داشت ؛ و طی گفتار پر شوری از چرائی

الهام گیری از آموزه های مارکس به سخنرانی پرداخت . یک سخنران دیگری از چین طی بحث مبسوطی به دفاع از مارکسیسم پرداخته و پیشرفتهای روزافزون چین را نتیجه ی بهره گیری از اندیشه های مارکس دانسته و ضرورت مارکسیسم بر چین امروزی را مورد تاکید و تایید فراوان خود قرار داد . پیکره ی مارکس از جنس برنز است ، ارتفاع آن 4/4 متر و وزن آن 3/2 تن می باشد . ارتفاع مجسمه در اصل قرار بود 6 متر باشد ولی آقای آندریاس لودویک ( از حزب خانم مرکل ) هنرمند چینی را مجاب به کاهش ارتفاع آن کرده است . گویا شک و تردیدهای در باره ی یک Mega Marx در سطح شهر زیادتر شده است . برخی جریانها نظیر " اتحادیه قربانیان دیکتاتوری کمونیستی " و " جمعیت دفاع از خلقهای مورد تهدید " - بخاطر تعقیب و آزار مسیحیان در چین - مخالفت خود را با نصب مجسمه ی مارکس اعلام کرده بودند . این گروهها دیروز نیز به تعداد حداکثر سی تا چهل نفر در برخی مواقع با جار و جنجال سعی در اخلال مراسم رونمایی از مجسمه ی مارکس داشتند . به هر حال دیروز مجسمه ی مارکس بر روی یک پایه ی 1/1 متری مونتاز و در میدان Simonenstiftplatz نزدیک Porta Migra ( دروازه ی رومی و علامت مشخصه ی شهر ) قرار داده شد و در میان شور و لهله ی دوستانش به طور رسمی از آن پرده برداری گردید . مجسمه ، مارکس متفکری را با کتابی در دست نشان می دهد که با پای چپ در حال قدم برداشتن به جلو می باشد . تمامی قرائن و شواهد نشان می دهد که تقریباً سه دهه بعد از فروپاشی شوروی و حاکمیت لجام گسیخته ی سرمایه ی انحصاری مالی، مردم در سراسر جهان

از نظام سلطه ی حاکم ناامید گشته و به دنبال آلترناتیوهای برای رهائی از قید و بند سرمایه و نجات آینده ی کره ی زمین می گردند . بنابراین من فکر می کنم که بازگشت مارکس به زادگاهش تنها یک بازگشت صوری و فیزیکی (در قالب مجسمه ) نیست . روحیه ی مردم بعد از سه دهه شستشوی مغزی و دروغ و تزویر بی امان در حال تغییر است . مردم زحمتکش و کارگربندریج به قدرت لایزال خود پی می برند و در فکر تغییر وضع موجود هستند . در این شرایط چه آلترناتیوی بهتر از اندیشه های فیلسوف کارل هاینریش مارکس یعنی فلسفه ی تغییر جهان می تواند پاسخگویی نیازهای فکری و مبارزاتی مردم باشد ؟ در خاتمه باید یاد آوری کنم که سالانه حدوداً پنجاه هزار چینی برای دیدن خانه ی مارکس به شهر تریر مسافرت می کنند .

بدین سان کارل مارکس بعد از فراق طولانی مدت دوباره به زادگاه خویش باز گشته است . مردی که با اندیشه هایش طوفانها بر انگیزته و موجد جنبشهای رهائی بخش فراوانی گردیده است ، مارکس پس از ازدواج با جنی فون وستفالین در سال 1843 به پاریس می رود . در سال 1845 پلیس فرانسه 24 ساعت به او برای خروج از فرانسه وقت می دهد . مارکس ناچاراً راهی بلژیک می شود و در 2 فوریه وارد بروکسل می شود . در اواخر سال 1847 و اوایل 1848 کتاب مشهور خود " مانیفست کمونیست " را با همکاری دوست و همزم وفادار خود فریدریش انگلس در همین شهر می نویسد که در اوایل فوریه در لندن به چاپ می رسد . در انقلابات بورژوائی 1848-1849 اروپا ، مارکس فعالانه شرکت می کند و بخش مهمی از 6000 لیره ی از ارث پدری خود را که به



## از بین بردن گورهای دسته جمعی جانباختگان کشتار های دهه 60، جرم سران رژیم وطبقه حاکم را سنگینتر میکند

با نزدیک شدن به سی مین سالگر کشتار زندانیان سیاسی، رژیم به تلاشی دوباره دست زده است تا به خیال خودش با محو آثار باقی مانده از جرم و جنایت خود از جمله گورهای دسته جمعی جانباختگان کشتار ها و قتل عام های دهه 60 و بویژه جانباختگان سال 67، بر روی اعمال جنایت کارانه خود پرده افکند. در این رابطه عفو بین الملل با انتشار اسناد و عکس ها و گزارشات مختلف اعلام کرده است که رژیم با خاک برداری و صاف کردن مناطقی که این گورها در آنجا قرار دارند و برخی از آنها توسط خانواده ها شناسائی شده اند، ساختمانسازی بر روی این گورها و یا بنا کردن قبرستانی جدید و یا تبدیل آن به محل ریختن آشغال... طرح گسترده ای را برای محو آثار جنایات خود برنامه ریزی کرده و از مدت ها قبل بمورد اجرا گذاشته است. عفو بین الملل در گزارش اش مینویسد «در یکی از این مناطق گورهای دسته جمعی در شهر شمالی تبریز، مأموران رژیم روی بیش از نیمی از این منطقه را با سیمان پوشانده اند. ... در یک اقدام تکان دهنده دیگر در منطقه قروه در کردستان مأموران رژیم با بولدوزر، تمامی سنگ قبرها و نشانه های دیگری را که خانواده های قربانیان در آنجا گذاشته بودند صاف کرده اند و اعلام کرده اند که این زمین های مناطق به کشاورزی اختصاص داده شده است. ... این البته اولین بار نیست که رژیم درصدد از بین بردن آثار جنایات خویش است بلکه بارها تلاش کرده گورهای دسته جمعی که یکی پس از دیگری توسط خانواده ها و مردم شناسائی میشوند را از بین ببرد، اما هر بار با مقاومت خانواده ها و دیگر انسانهای آزادیخواه مواجه شدند و بیش از پیش به رسوائی آنها انجامید. رژیم جمهوری اسلامی که بعد از سی سال هنوز از اعلام نام و مشخصات و محل دفن جانباختگان خودداری کرده و سازماندهندگان و مجریان این جنایت در اسناد های حکومتی بابتی شرمی دست زدن به این جنایات را از افتخارات خود محسوب میدانند، اکنون با فرار سیدین سی مین سالگر این کشتارها در هراس از اوج گیری اعتراضات خانواده ها و نیروهای پیشرو جامعه و تبدیل شدن آن به اعتراضات عمومی به برنامه ریزی گسترده برای از بین بردن آثار گورهای دسته جمعی که نمادی از مبارزه و مقاومت توده های زحمتکش مردم ایران در برابر ارتجاع و استبداد تازه به قدرت رسیده بود، دست زده است. خانواده های جانباختگان و عناصر پیشرو با اطلاع رسانی به ساکنین مناطقی که در آنها گورهای دسته جمعی قرار دارد و روشنگری و بسیج مردم باید مانع از اجرائی شدن سیاست ضد بشری رژیم شوند.

ماز همه نیروهای پیشرو ایران و جهان و نیز توده های زحمتکش مردم ایران، بویژه خانواده و همزمان جانباختگان دعوت میکنیم تا با سازماندهی اعتراضاتی گسترده، سیاست محو گورهای دسته جمعی جانباختگان را متوقف کنند.

تازگی دریافت کرده بود به مجامع کارگری آلمانی و بلژیکی برای مبارزه علیه استبداد کمک مالی می نماید. بدین دلیل پلیس بلژیک در سوم مارس 1848 به مارکس و خانواده اش 24 ساعت مهلت برای خروج از بلژیک را تعیین می کند. علیرغم این پلیس نیمه شب به محل اقامت مارکس یورش برده و او را دستگیر کرده و به زندان می برد. هنگامی که جنی برای اطلاع از وضع مارکس به اداره ی پلیس مراجعت می کند او را نیز دستگیر می کنند. هر دو نفر را روز بعد آزاد می کنند ولی چون 24 ساعت مهلتشان تمام شده بود نتوانستند وسایل منزل و لوازم شخصی خود را با خود بردارند. مارکس و جنی به دعوت یکی از اعضای دولت جمهوری موقت فرانسه راهی پاریس شدند. مارکس در آوریل 1848 به همراه انگلس برای شرکت در انقلاب آلمان عازم کشورش می شود. فعالیتهای انقلابی مارکس باعث ترس و واهمه ی دولت آلمان شده بود. از اینرو در 16 ماه مه 1849 دولت پروس نیز 24 ساعت مهلت برای ترک کشور را در اختیار مارکس قرار می دهد. مارکس مجدداً به پاریس می رود. ولی تبعید فرانسه هم زیاد طول نمی کشد. ترس حکومت بر آمده از انقلاب در فرانسه از طبقه ی کارگر و دسیسه های دولت پروس درد سرهای جدیدی برای مارکس فراهم نمود. زیرا در 23 آگوست 1849 مقامات فرانسوی به مارکس اعلام نمودند که خود و همسرش باید در عرض 24 ساعت فرانسه را ترک کنند. مارکس 24 اوت 1849 فرانسه را ترک کرد و در روز 26 اوت وارد لندن شد و تا آخر عمر در این شهر روزگار گذراند و در 14 مارس 1883 در سن 64 سالگی بدرود حیات گفت.

وبسایت کمیته آذربایجان

<http://azarfedayi.org/>



سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

برقرار باد جمهوری فدراتیو

شورائی

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

11 اردیبهشت 97

## به بهانه روز جهانی

### کودک خن-عمواغلی



درباران جمهوری اسلامی زده حقوق کودکان نه تنها با استانداردهای جهانی همخوانی ندارد و اصلاً از حقوقی برخوردار نیستند، بلکه حکومت مذهبی حاکم

دربرابر رشد و اعتلای کودکان موانع متعددی را بوجود آورده است. در جمهوری اسلامی کودک مجبور است از قوانین ارتجاعی مذهبی و سنت های عقب مانده تحمیلی تبعیت کند، از طفولیت حجاب اجباری و رفتارهای مترتب بر آن را تحمل کند. کتب درسی مملو از خرافات و خرافه پرستی بخورد کودکان داده میشود. صدها هزار کودک بدلیل نداری ویا جواکم برمدارس از تحصیل باز میمانند و صدها هزار کودک دیگر بنام کودکان کار در بدترین شرایط ممکن دوندگی میکنند تا قوت لایموتی بدست آورده و زنده بمانند. تضییق حقوق کودکان، تداوم سنت های ارتجاعی در بخشهایی از جامعه از یکسو و نبود قوانین ضروری از سوی دیگر کودک آزاری را در مدارس، خانواده ها و در سطح جامعه بیش از گذشته رواج داده است. بویژه کودکان اقشار فقیر و الی الخصوص مهاجران مورد تعدی و آزار و اذیت جسمی، جنسی و روحی قرار میگیرند، بدون اینکه فریادرسی وجود داشته باشد. اکنون ناامیدی و تمایل به خودکشی و عارضه های روحی و روانی به نحو بیسابقه ای در بین کودکان، بویژه کودکان اقشار محروم و فقیر جامعه و مهاجرین گسترش یافته است.

یک فعال حقوق کودکان میگوید: «برخی از مسئولان کودک آزاری را آسیب های اولویت دار نمی دانند تا برای مقابله با آن

تدبیری جدی بیندیشند و خود این دیدگاه بر رشد چنین خشونت های مؤثر است. لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان با توجه به کاستی ها و ضعف های قوانین فعلی در سال ۱۳۸۷ تدوین شد که بهرغم اینکه در سال ۱۳۹۰ به مجلس ارسال شده است، تاکنون معطل تصویب مانده است. «معاون پارلمانی رئیس جمهور به جای پاسخگویی به چرایی معطل ماندن لایحه حمایت از کودکان، میگوید لایحه های دیگر در لویت است «امروز تکدیگری در شهرهای ایران به قدری پول ساز است که برخی از کودکان اتباع بیگانه را به طمع سفر به تهران انداخته است. هرچند تمام این کودکان با پای خود قدم در این شهر هزار رنگ نمی گذارند و مافیای کودک کار آنها را به ایران و تهران روانه می کند. این کودکان در بدترین شرایط در خیابان ها دست فروشی یا تکدیگری می کنند یا در اثر همکاری مافیای کودک کار و مافیای زباله سر از سطل های پسماند شهر درمی آورند.» بر اساس آمار رسمی ۶۰ درصد کودکان کار متعلق به اتباع بیگانه هستند. «اینکه بخش مهمی از کودکان کار کودکان مهاجرینی هستند که از هیچگونه حق شهروندی برخوردار نیستند و اقیبت دارد ولی در این مورد و دادن این آمارها سردمداران رژیم میخواهند با فرافکنی چنین وانمود میکنند که کودکان کار بیشتر مهاجرانی هستند

که به انتخاب خود فرزندانشان را روانه بازار کار و زباله گردی و تکدی میکنند. این گونه استدلالها بیشتر جنبه نژادپرستی و مهاجر ستیزی آنها را نشان میدهد. انگار که کودکان مهاجر خلق شده اند تا زباله گردی بکنند و مورد تعدی و آزار جسمی و جنسی و روحی قرار بگیرند و شب ها در بیگوله ها و جوب های آب و در میان اشغالها بخوابند. با این وجود این فرافکنی ها طبق آمارهای رسمی بیش از ۲۰ هزار نفر کودک کار در تهران تأیید شده است. در آمار تخمینی سازمان جهانی کار در سال ۱۹۹۵ بیش از ۷۱,۴ درصد کودکان بین ۱۰ تا ۱۴ سال در ایران از لحاظ اقتصادی فعال هستند. در سال ۱۳۷۵ حدود ۳۸۰ هزار کودک در سن ۱۰ تا ۱۴ سال در ایران کار ثابت داشته اند. کودکان کار در شرایط بسیار نامطلوب از نظر تغذیه، بهداشت و انجام کارهای خطرناک و حاد به سر می برند. این کودکان میتوانند به راحتی بازیچه دست بزهکاران حرفه ای اعم از سارقان یا باندهای توزیع مواد مخدر، عوامل ایجاد خانه های فساد... قرار گیرند.» «مدیرکل دفتر مراقبت در برابر آسیب های اجتماعی وزارت آموزش و پرورش از وجود ۱۰ هزار دانش آموز معتاد و نیازمند درمان در کشور خبر داد.

مسعود فریدی، معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور، گفت: «در سال گذشته ۳ هزار مورد کودک آزاری به تأیید اورژانس اجتماعی کشور رسیده است و در مجموع ۸ درصد تماس های مردمی با این مجموعه مربوط به موارد وقوع کودک آزاری در نقاط مختلف است.»

بهار نیوز، ۱۲ فروردین ماه، نوشت: «آمارهای رسمی و دولتی ایران حاکی از این

## تحقق مطالبات کارگران گروه ملی صنعتی اهواز مستلزم ادامه مبارزه است.

امروز در شانزدهمین روز تجمعات اعتراضی کارگران گروه ملی صنعتی اهواز در مقابل استانداری خوزستان که با ضرب و شتم و دستگیری بیش از ۵۰ کارگر توسط نیروهای سرکوبگرتوام بود در نتیجه مقاومت متحدانه کارگرتان با صدور حکم آزادی کارگران زندانی و وعده رسیدگی به خواست هایشان پایان یافت .

« جانشین فرمانداری اهواز به کارگران اعلام کرد مشکل مالکیت شرکت تمام و کمال حل شده و بانک ملی مالکیت شرکت را بر عهده گرفته است و مقرر گردیده ۵۰ میلیارد تومان جهت خرید مواد اولیه به شرکت تزریق و دو ماه از سه ماه حقوق معوقه کارگران امروز یا فردا پرداخت گردد».

در جریان یورش نیروهای سرکوبگر رژیم به تجمعات کارگران در روزهای ۲۱ و ۲۲ خرداد بیش از ۵۰ کارگر از جمله ۱. حسن جاوید حمودی ۲. بیمان شجراتی ۳. محمد نقی زاده ۴. علی جماعتی ۵. رحمان سمعک ۶. کریم صیاحی ۷. علی عقبه ۸. علی طاهری ۹. مصطفی زرگانی ۱۰. بهزاد علیخانی ۱۱. سید محمد موسوی ۱۲. امیر شعبانی ۱۳. سیدرزاق موسوی ۱۴. هادی وائلی ۱۵. فرزاد قراچی ۱۶. یونس امیری ۱۷. سید علی مرادی ۱۸. نور علی خان محمد ۱۹. امیر حریراوی ۲۰. احمد عفرای ۲۱. حسین عفری ۲۲. ابراهیم فارسی ۲۳. محمد علوی ۲۴. سید جواد موسوی ۲۵. علیرضا محراب ۲۶. جواد اسکندری ۲۷. علی دققله ۲۸. ابراهیم برومند نیا ۲۹. علی حزینی پور. بازداشت شده بودند. بدنبال این بازداشتها، کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز از ساعات اولیه صبح عازم استانداری خوزستان شدند تا با تجمع در این محل خواستار آزادی کارگران دستگیر شده بشوند که باز هم با ضرب و شتم و دستگیری تعداد دیگری از کارگران مواجه شدند.

در پی این بازداشتها کارگران به تظاهرات گسترده در خیابانها دست میزنند. در این راهپیمایی و اعتصاب تظاهراتی در خیابانهای اهواز، از آنجا که بخشی از بحران صنایع فولاد اهواز از جمله ناشی از کشمکش و رقابت میان مافیای قدرت و ثروت برای تصاحب شرکت و یا سهمبری بیشتر از این خوان یغماست، کارگران خشم و انزجار خود را بوسیله حمله به دفاتر دولتی و نمایندگی این مافیا بنمایش میگذارند. در نتیجه مقاومت و تداوم مبارزه دولت مجبور به عقب نشینی میشود.

اکنون مبارزات متحد کارگران دولت و کارفرماها را یک قدم به عقب رانده است و آنها ضمن دادن وعده پرداخت حقوق کارگران، اعلام کرده اند که شرکت به بانک ملی واگذار شده است. اما اینکه به این وعده ها عمل خواهند کرد، جای تردید است. مابارها گفتیم و نوشتیم که امر خصوصی سازی در اقتصاد ایران اولاً پروژه ای نیست که متوقف بشود. ثانیاً در این پروژه تحولات برگرده طبقه کارگر و زحمتکشانش هم چیزی نیست که تنها در ایران اتفاق افتاده باشد. این از خصوصیات دوران کنونی روند سرمایه و از تبعات سیستم نئولیبرال محسوب میشود. آنچه که در مبارزات کارگران برای دفاع از حق و حقوقشان است مهم است حفظ استقلال طبقاتی خویش در مقابل با جناح ها و دسته جات مختلف صاحبان قدرت و سرمایه و پافشاری به خواست ها و مطالبات فوری از یکسو و خواست تامین اجتماعی و حقوق دوران بیکاری و حق مسکن از سوی دیگر است. چون این خطر که هنگام دست به دست شدن مراکز صنعتی و تولیدی تحت بهانه های مختلف مبادرت به اخراج سازیها و «تعدیل» (نیرو بکنند، وجود دارد. بعلاوه حق کار، مسکن حقوق دوران بیکاری حق همه کارگران شاغل و بیکار است. پافشاری به این خواست ها که نیاز حیاتی همه کارگران و مزد بگیران است، زمینه اتحاد و مبارزه سراسری و فراگیر را فراهم میکند.

باتوجه به موقعیت بحرانی مراکز تولیدی، ادامه مبارزه تحقق وعده های اعلام شده رامنکن میسازد. ما همه کارگران، خانواده ها و زحمتکشانش اهواز را به حمایت از کارگران گروه ملی صنعتی اهواز فرامیخوانیم. اتحاد و مبارزه ضامن پیروزی کارگران و زحمتکشانش است.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ۲۲ خرداد ۱۳۹۷

است که سالانه دهها هزار دختر و پسر زیر سن ۱۵ سالگی توسط خانواده هایشان و ادار به ازدواج می شوند. شمار واقعی این کودکان در حقیقت بالاتر از این آمارها است. بسیاری از خانواده ها در ایران ازدواج در سنین پایین را ثبت نمی کنند یا به صورت غیر رسمی به ثبت می رسانند. طبق گزارش انجمن حمایت از حقوق کودکان در ایران شمار دخترانی که در زیر سن ۱۵ سال ازدواج کرده اند از ۳۳ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ به ۴۳ هزار نفر در سال ۱۳۸۸ رسیده است؛ یعنی ۳۰ درصد افزایش در عرض سه سال».

اینها نمونه هایی از خروار هستند که در روزنامه های حکومتی انعکاس می یابند. چهل سال حاکمیت جهل و خرافه و سرکوب امروز برای بخش زیادی از کودکان و نوجوانان وضعیت اسفناکی را بوجود آورده است که جز با سرنگونی نظام حاکم و تغییرات بنیادی در جامعه امکان خلاصی از آن نیست. در این میان فعالیت عناصر و جمعتهائی که برغم موانع ایجاد شده توسط حاکمیت به دفاع از حقوق کودکان برخاسته اند قابل تحسین و پشتیبانی است. اینکه رژیم کودک ستیز حاکم فعالیت این گروه ها را محدود و یا با موانع مختلف مواجه می سازد و هیچ اصلاحی را برنمی تابد، واقعیتی است بر همه معلوم. اما فعالیت و تلاش این فعالین حقوق کودک به ارتقاء سطح آگاهی جامعه و بویژه آگاهی کودکان به حقوق خود یاری می رساند و تلاش جمعی برای مطالبه آن را گامها به جلو ببرد. لذا تشکیل انجمن ها و گروه های مستقل حمایت از حقوق کودکان بویژه کودکان کار و تلاش برای سازمانیابی و احقاق حقوق آنها از جمله وظایف انسانهای پیشرو و آگاه و انقلابی محسوب میشود.

خ-ن-عمو اوغلی



## درباره کشتار توده های تحت ستم فلسطین و وحشیگری نظام های امپریالیستی جهانی و رژیمهای مرتجع منطقه

واقعی دموکراسی های صاحبان ثروت و قدرت را به نمایش میگذارد و بر این واقعیت تاکید میکند که راه حل توده های زحمتکش مردم فلسطین و سایر خلقهای تحت ستم و استثمار در خلاصی از ستم و استثمار، تبعیض، نژادپرستی و جنگ و کشتار و آوارگی تنها در گرو اتحاد توده های کارگر و زحمتکش این مناطق و مبارزه مشترک آنها بر علیه امپریالیسم و نظامهای سرکوبگر است.

ماکشتار توده های تحت ستم فلسطین توسط رژیم مذهبی و سرکوبگر اسرائیل با همدستی امپریالیسم آمریکارا را محکوم کرده و کارگران و زحمتکشان اسرائیل، فلسطین و دیگر زحمتکشان تحت ستم را به اتحاد و مبارزه بر علیه امپریالیسم و رژیمهای ارتجاعی و نظامهای استثمارگر و سرکوبگر منطقه فرامیخوانیم. پیروزی خلقهای تحت ستم منطقه و خلاصی از ستم و استثمار و جنگ و کشتار و بدست آوردن صلح و آزادی و رفاه و دوستی در گرو اتحاد کارگران و زحمتکشان ملیت های مختلف در سرنوشتی و رژیمهای مرتجع منطقه و کسب حق تعیین سرنوشت از طریق استقرار فدراتیو های شورائی قابل حصول است. ما همه نیروهای مترقی، کارگران و زحمتکشان منطقه را به حمایت از مبارزات و مطالبات انقلابی و دموکراتیک توده های زحمتکش منطقه، از جمله توده های تحت ستم و استثمار فلسطین فرامیخوانیم.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست 24 اردیبهشت

**در ماه گذشته اعلامیه ها و بیانیه های مختلفی بمناسبت رویدادای سیاسی از طرف شورای مرکزی و کمیته های سازمان منتشر شده است. برای مطالعه آنها به سایت سازمان مراجعه فرمائید.**

[www.fedayi.org](http://www.fedayi.org)

سازمان ملل شدند که در آن حق بازگشت و جبران خسارات رانده شدگان تاکید شده است. فلسطینیان در حالی این روز را روز «نکبه» یعنی فاجعه کشتار و اخراج نزدیک به یک میلیون فلسطینی از سرزمین خود میدانند که اسرائیل این روز - 14 مه 1948- را بعنوان روز تاسیس دولت اسرائیل جشن میگیرد. امسال که مقارن با هفتادمین سالگرد تاسیس دولت اسرائیل بود این بار سرکوب و کشتار تظاهرات فلسطینیها و حشیانه تراز قبل سازماندهی شده بود و از همان آغاز تظاهرات، بدستور دولت اسرائیل به پشتوانه امپریالیسم آمریکا که در حال تدارک انتقال سفارت خود به ابیت المقدس بود، سربازان اسرائیلی به روی تظاهرکنندگان آتش گشوده و آنها را به خاک و خون کشیدند. کشتار و حشیانه مردم تحت ستم فلسطین در آستانه هفتادمین سالگرد تاسیس اسرائیل و انتقال سفارت آمریکا به بیت المقدس نشانه آن بود که دولت مذهبی و نژاد پرست اسرائیل با این کشتارهای و حشیانه فلسطینیان که خواستار بازگشت به خانه و کاشانه خود هستند، قصد دارد با سزکوب بیرحمانه و خفه کردن آنها مانع اقدامات اعتراضی آنها در روزهای آینده، بویژه هنگام افتتاح سفارت آمریکا شوند. و کشتار و حشیانه بیش از 60 نفر و زخمی نمودن هزاران فلسطینی معترض در هنگام افتتاح سفارت آمریکا مبین همین واقعیت است که این کشتارها از پیش طراحی شده اند. کشتار مردم تحت ستم فلسطین توسط رژیم نژاد پرست و اشغالگر اسرائیل و همدستی امپریالیسم آمریکا به همراه ممانشات کشور های معظم سرمایه داری، بار دیگر ماهیت

همزمان با افتتاح سفارت امپریالیسم آمریکا در بیت المقدس، اعتراضات ده ها هزار از توده های زحمتکش مردم فلسطین بوسیله رژیم سرکوبگر اسرائیل با همدستی امپریالیسم آمریکا بخون کشیده شد و تا کنون نزدیک به 60 کشته و هزاران زخمی تنها در یک روز نتیجه این وحشیگریهای «دموکراتیک ترین دولتهای جهان سرمایه داری است». این کشتار در واقع قربانی کردن ستمیبدگان فلسطینی در پای افتتاح کنندگان سفارت آمریکا در سرزمینی اشغالیست. آمریکا با نقض قطعنامه های سازمان ملل و زیر پا گذاشتن تعهدات بین المللی خود و حق و حقوق فلسطینیان سفارت خود را به اورشلیم منتقل کرده است.

قبل از این، در جریان راهپیمائی و تظاهرات و تجمعات توده های مردم فلسطین که از اواخر مارس شروع شده بود، بیش از 50 نفر فلسطینی توسط ارتش اسرائیل کشته و نزدیک به 7000 نفر مجروح شده بودند. این تجمعات در اعتراض به هفتادمین سالگرد تاسیس دولت اسرائیل و آوارگی میلیونها فلسطینی به همراه جنگ و کشتارهای پیاپی در این فاصله است.

فلسطینیان هر ساله با شرکت در راهپیمائی بزرگی که به راهپیمائی بازگشت آوارگان به وطن خود معروف است، شرکت میکنند و خواستار بازگشت به سرزمین خود میشوند. امسال نیز مردم فلسطین با شرکت در تظاهراتی بزرگ یادمان فاجعه سال ۱۹۴۸ را زنده کرده، خواهان اجرای حق بازگشت پناهندگان بر پایه ی قطعنامه های سازمان ملل متحد از جمله قطعنامه 194 مجمع عمومی

## درباره دوران (بخش سوم)

با استناد به این شیوه قیاسی لنین، به بررسی ویژه گیها و جنبه های اساسی دوران حاضر

میپردازیم تا جنبه های اپورتونیستی نظراتی که با قلب واقعیت و با تحریف آشکار تئوری لنینی دوران، چهره واقعی خود را پرده پوشی میکنند، بیشتر روشن شود.

مابیش از این گفتیم که دوران اول، دوران تعالی، پیروزی و فراز بورژوازیست. در این دوران محتوای اصلی عصر عبارت بود از نابودی سیستم پوسیده استبداد فئودالی و مناسبات و قیودی که مانع روند تکاملی نیروهای مولده در آن شرایط مشخص میگردد. و اربابان فئودال بعنوان یک طبقه حافظ این مناسبات، به طبقه ارتجاعی و میرنده بدل شده و میبایست از سر راه ترقی و تکامل اقتصادی و اجتماعی جامعه به کنار گذاشته شوند.

این سد در مقابل کدام نیروی پیش رونده و مترقی و بالنده تاریخ تحول عینی جامعه مانع ایجاد می کرد؟ بورژوازی. طبقه ای که در بطن جامعه فئودالی رشد و تکوین یافته و رسالت دگرگونی و انهدام مناسبات فئودالی را که مانع رشد و شکوفائی نیروهای مولده و مناسبات جدید تولیدی مترتب بر آن میشد را بر عهده داشت. پس در مقابل فئودالیسم و اربابان فئودال که وجه میرنده تضاد را تشکیل میدادند، بورژوازی وجه مترقی و بالنده آنرا تشکیل داده و بعنوان محور انقلابی تاریخی این دوران در مرکز تحولات آن قرار داشت. و جنبش این طبقه محتوا و جهت اصلی تکامل دوران را معین میکرد.

بنابراین جهت اصلی تکامل این عصر جز برقراری شالوده های نظم

لنین نقاب از چهره آنها برداشت. اما همانگونه که در صفحات قبل گفته شد، باز هم کسانی پیدا شده اند که با تحریف نظرات مارکس، انگلس و لنین و با تجدید نظر در مضمون و محتوای دوران که توسط لنین تحلیل و فورمول بندی شده است و صحت آن در پراتیک به ثبوت رسیده است، تلاش میکنند تا «محموله کشتی خود را با پرچمی دروغین حمل کنند» (امروز بیش از گذشته مبارزه با این دیدگاه های انحرافی ضرورت دارد.

ما در متد بررسی دورانها توسط لنین، به دوران کامل (قابل مقایسه) برخورد کردیم که به نتایج کلی زیر میرسید.

دوران اول 1789-1871- عصر سرمایه داری مترقی، یعنی عصری بود که بورژوازی در راس آن قرار داشت و سرنگون ساختن فئودالیسم و حکومت مطلقه و رهائی از یوغ بیگانگان در دستور قرار گرفته بود...

دوران سوم؟- 1914- عصر امپریالیسم، سرمایه داری نضج یافته و از حد نضج گذشته ای است که به لحاظ تاریخی در آستانه سقوط خود ایستاده است. یعنی بدان درجه ای از رشد رسیده است که جای خود را به سوسیالیسم واگذار کند. (9). لنین در بررسی دوران سوم می گوید: «مناقشات بین المللی در دوران سوم در شکل به همان نوع مناقشات بین المللی در دوران اول باقی مانده، لیکن محتوای اجتماعی و طبقاتی آن تغییر فاحشی یافته است. موقعیت عینی تاریخی تفاوت زیادی نموده است»

## درباره دوران ...

نوین و انقلابی و مترقی گرفته است. چهارچوب حکومت ملی-بورژوائی که در دوران اول حامل اصلی رشد نیروهای مولده بشریتی بود که خود را از فئودالیسم رها میساخت، اکنون در دوران سوم به مانعی برای رشد بیشتر نیروهای مولده بدل شده است. بورژوازی از طبقه رشدیابنده و مترقی به طبقه زوال یابنده و پوسیده و ارتجاعی تغییر یافته است. و این «طبقه کاملاً دیگر است که اکنون در مقیاس وسیع تاریخی روبه رشد است. (10)» این طبقه کاملاً «دیگر» پرلتاریا است که در جامعه سرمایه داری رشد و تکوین یافته است و بعنوان یک طبقه اجتماعی در اس نیروهای مولده خواستار سرنگونی سرمایه داری و از میان برداشتن مناسباتی است که همچون سدی مانع رشد و انکشاف بازم بیشتر و آزاد نیروهای مولده میشود.

بدین ترتیب این طبقه پرلتاریا است که در اس دوران سوم و در مرکز آن قرار گرفته است و جنبش این طبقه محتوای اصلی تکامل این دوران را معین میکند. حال وقتی پرلتاریا بعنوان محور تاریخی و انقلابی در اس دوران قرار گرفته و محتوای اصلی و جهت اصلی تکامل آنرا تعیین معین میکند، بورژوازی را در همان موقعیتی قرار میدهد که اربابان فئودال در دوران اول در آن قرار داشتند. یعنی بورژوازی به یک نیروی ارتجاعی و میرنده که مانع رشد نیروهای مولده و سد راه تکامل اقتصادی و اجتماعی جامعه است، می باید از مسیر تکامل برداشته شود.

بنا بر این محتوای اصلی عصر عبارت است از سرنگونی بورژوازی، انهدام مناسبات سرمایه داری و برقراری شالوده های نظم کمونیستی. از اینجا جهت اصلی تکامل

دوران که ناشی از رشد تضادهای درون سیستم امپریالیستی است چیزی جز انهدام نظام امپریالیستی و گذار به نظام سوسیالیستی در ابعاد جهانی نیست. در حالیکه خصلت های اصلی موقعیت تاریخی آن در مقایسه با عصر اول (مبارزه حل نشده و ناتمام بورژوازی علیه سیستم فئودالی) عبارت از مبارزه ناتمام و حل نشده پرلتاریا علیه بورژوازی و بقایای نظامات کهنه است. پدیده های نمونه و اعراف با توجه به تضادهای آن دوران عبارت بود از جنبش های بورژوا دموکراتیک بطور اعم و جنبش های رهایی بخش ملی بطور اخص. اما با توجه به تغییر و تحولاتی که در این دوران انجام گرفت (لنین آنرا در رساله امپریالیسم بمثابه آخرین مرحله سرمایه داری، تحلیل و جمع بندی کرد) و با توجه به خصوصیات ویژه گیهای این عصر، پدیده نمونه و ارو جوه ممتازه این عصر که ناشی از تشدید تضادهای موجود در بطن آن است، عبارت است از جنگ های امپریالیستی که از تشدید تضاد بین امپریالیستها بخاطر کسب منافع و سود بیشتر... صورت میگیرد و جنگ های ضد امپریالیستی و جنگ های رهایی بخش که از تشدید تضاد بین امپریالیسم و خلق های تحت ستم بخاطر استقلال ملی، دموکراسی و رفاه عامه و علیه استثمار و استبداد بوقوع می پیوندد. چرا که «خصوصیات سیاسی امپریالیسم عبارت است از بسط ارتجاع در تمام جهات، تشدید ستمگری ملی ناشی از ستمگری الیگارشلی مالی و نیز برافتادن رقابت ازاد (11)» «به عبارت دیگر امپریالیسم از نقطه نظر سیاسی عبارت است از «تمایل به اعمال زور و ارتجاع» (12).

یکی دیگر از جوه ممتازه این عصر انقلابات پرلتاری است که در اثر تشدید تضاد بین

خصلت اجتماعی تولید و تصاحب فردی به وقوع می پیوندد. آنتاگونیسمی که جز از طریق سرنگونی مناسبات سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم راه حل دیگری بر آن متصور نیست.

در نتیجه امپریالیسم در حال احتضار، سرمایه داری در حال گذار به سوسیالیسم است. و این امر با انقلاب قهرآمیز و سرنگونی طبقات ارتجاعی حاکم و برقراری دیکتاتوری پرلتاریا میسر میگردد. بوسیله «تنها پرلتاریا های معاصر که از هرگونه استقلال عملی کنار گذاشته شده اند، که میتوانند استقلال عملی کامل نه دیگر محدود را که تملک تمامیت نیروهای مولده، بالنتیجه اعتلای تمامیت تواناییهاست، استقرار بخشد. (13)» نتیجه میگیریم:

عصر امپریالیسم : عصر امپریالیسم، عصر سرمایه داری نضج یافته و از حد نضج گذشته ای است که در آستانه سقوط خود ایستاده است و عصر انقلابات پرلتاری و گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم در ابعاد جهانی است.

طبقه کارگر در اس دوران و در مرکز آن قرار گرفته و جنبش انقلابی این طبقه محتوای اصلی و جهت اصلی تکامل این دوران را معین میکند.

محتوای این دوران عبارت است از سرنگونی بورژوازی، انهدام مناسبات کهنه و ارتجاعی و برقراری شالوده های نظم کمونیستی.

جهت اصلی تکامل آن عبارت است از انهدام نظام امپریالیستی و گذار به نظام سوسیالیستی در ابعاد جهانی.

خصوصیات اصلی و موقعیت تاریخی عبارت است از مبارزه ناتمام و حل نشده پرلتاریا علیه بورژوازی و بقایای نظامات کهن

**بزودی این زمستان نیز سر خواهد آمد ..**

ادامه از صفحه ۴

۸- فریدون فرخزاد، شاعر و شومن، ۱۶ مرداد ۱۳۷۱ در شهر بُن آلمان (قتل با ضربات متعدد کارد).

۹- حسین صدرائی (اقدامی) متولد ۱۳۲۷ در لنگرود، شاعر، نویسنده و پژوهشگر، عضو کانون نویسندگان ایران و فعال سیاسی، سال ۱۳۶۷ (قتل در زندان زیر شکنجه یا اعدام)

۱۰- کورش آریامنش (رضا مظلومان) روزنامه نگار، نویسنده و فعال سیاسی، ۷ خرداد ۱۳۷۵ (قتل در پاریس به ضرب گلوله)

۱۱- علی اکبر سعیدی سیرجانی، نویسنده و پژوهشگر، ۴ آذرماه ۱۳۷۳ (قتل در زندان).

۱۲- غفار حسینی، مترجم، نویسنده و عضو کانون نویسندگان ایران ۲۰ آبانماه ۱۳۷۵ (قتل در تهران).

۱۳- احمد فضل، مترجم و زبان شناس، ۲۴ دیماه ۱۳۷۵ (قتل در تهران).

۱۴- ابراهیم زالزاده، روزنامه نگار و ناشر، فروردین ۱۳۷۶ (قتل در تهران).

۱۵- احمد میرعلائی، مترجم و نویسنده در سال ۱۳۷۷، (قتل در اصفهان).

۱۶- حمید حاجیزاده، شاعر و نویسنده همراه با کودک ۱۰ ساله اش کارون، شهریور ۱۳۷۷ (قتل در کرمان با ضربات متعدد کارد).

۱۷- پیروز دوانی، نویسنده، مترجم و پژوهشگر، در سال ۱۳۷۷ (قتل در تهران).

۱۸- مجید شریف، مترجم و نویسنده، آذرماه ۱۳۷۷ (قتل در تهران).

۱۹- محمد مختاری، شاعر، نویسنده و پژوهشگر و عضو کانون نویسندگان ایران در آذرماه ۱۳۷۷ (قتل در تهران).

۲۰- محمد جعفر پوینده، مترجم، نویسنده و

عضو کانون نویسندگان ایران، آذرماه ۱۳۷۷ (قتل در تهران).

۲۱- عزتالله ابراهیم نژاد، شاعر، ۱۸ تیر ۱۳۷۸ (قتل).

۲۲- زهرا کاظمی، روزنامه نگار و عکاس، سال ۱۳۸۲ (قتل در زندان اوین).

۲۳- آیفی سرچه، خبرنگار کرد اهل ترکیه، سال ۱۳۸۴ (قتل در ایران).

۲۴- امید رضا میر صباغی ۲۸ ساله، وبلاگ نویس، سال ۱۳۸۷ (قتل در زندان).

۲۵- یعقوب میرنهاد، روزنامه نگار و وبلاگ نویس، ۱۴ مرداد ۱۳۸۷ (اعدام در زاهدان).

۲۶- علیرضا افتخاری، وبلاگ نویس، سال ۱۳۸۸.

۲۷- ستار بهشتی، وبلاگ نویس، آبانماه ۱۳۹۱، به اتهام اقدام علیه امنیت کشور از طریق شبکه اجتماعی و فیس بوک (قتل زیر شکنجه).

**کار کمونیستی آخر هرماه زیر نظر هیئت سیاسی سازمان اتحاد فداییان کمونیست منتشر می شود .**

**برای تماس با سازمان اتحاد فداییان کمونیست و یا ارگانهای آن با یکی از آدرسهای زیر تماس بگیرید :**

روابط عمومی

[webmaster@fedayi.org](mailto:webmaster@fedayi.org)

کمیته کردستان

[Kurdistan@fedayi.org](mailto:Kurdistan@fedayi.org)

کمیته آذربایجان

[azar@fedayi.org](mailto:azar@fedayi.org)

کمیته تهران

[Tehran@fedayi.org](mailto:Tehran@fedayi.org)

کمیته کرج

[karj@fedayi.org](mailto:karj@fedayi.org)

**درباره دوران ...**

ادامه از صفحه قبل

وارتجاعی.

پدیده های نمونه وار و جوه ممتازه این عصر را انقلابات پرلترتی، رهائی بخش و جنگهای امپریالیستی و ضد امپریالیستی تشکیل میدهد.

از نقطه نظر ما، اینها خصوصیات اصلی و ویژه گیهای عمده عصری است که ما در آن زندگی میکنیم. هرگونه درک انحرافی از مضمون دوران و یا کم اهمیت دادن به درک و هضم خصوصیات دورانهها، نتیجه ای جز تحلیل و ارزیابی غیر علمی و غیر مارکسیستی از روند مبارزه طبقاتی، اوضاع ملی و بین المللی و انحراف در ارزیابی از تضادها و در نتیجه اتخاذ استراتژی و تاکتیکهای زیان آور، در بر نخواهد داشت.

ادامه دارد ...

**جمهوری شورایی، آغاز جامعه به ساختمان سوسیالیسم است، در سوسیالیسم مالکیت خصوصی بورژوازی بر ابزار تولید و مبادله اجتماعی می شوند. اقتصاد از طریق تولیدکنندگان آزاد و متشکل سازمان می یابد.**

**با وجود اینکه مالکیت ابزار تولید و مبادله به مالکیت اجتماعی در میاید. اما این امر یک شبه صورت نمی گیرد. دوران ساختمان سوسیالیسم سرشار از تحولات و پیشرویها و عقب نشینی هاست. در جمهوری شورایی با توجه به اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران و با در نظر گرفتن شرایط و مناسبات حاکم، از سلب مالکیت کنندگان سلب مالکیت می شود و در اختیار صاحبان واقعی، یعنی تولیدکنندگان متشکل در شوراهای مردمی قرار می گیرد.**